

روبو سی با عزرائیل

کتابی در فلسفه‌ی مری

کاظم عابدینی مطلق

www.ketab.ir

روبوسی با عزرائیل

کتابی در فلسفه‌ی مرگ

تألیف: کاظم عابدینی مطلق



ناشر: بحار الانوار

همکاری در نشر: فرا گفت، آفرینه، توسعه قلم

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طرح جلد: علیرضا رضایی

حروفچینی: آفرینه - سهیلا گرنه‌زاده

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۵۳-۰۲-۳

شماره تماس با مؤلف: ۰۹۱۲۳۵۱۹۲۳۵

عابدینی مطلق، کاظم

روبوسی با عزرائیل، (کتابی در فلسفه مرگ) کاظم

عابدینی مطلق، نشر بحار الانوار، قم، ۱۳۹۰.

ISBN: 978-600-6553-02-3

۱۳۴ ص.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا

۱. فلسفه مرگ. الف: عنوان ب: کاظم عابدینی مطلق.

۸۰۸/۱۸۲

PN ۶۰۸۲ / ۸۵ ش ۸

۹۰-۶۰۴۳

کتابخانه ملی ایران

کلیه حقوق محفوظ می‌باشد.

قم: خیابان سمیه، قبل از میدان رسالت، پلاک ۱۰ □ تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۶۹۷۰

مرکز پخش آفرینه: ۰۲۵۱-۷۷۳۵۰۲۳

قیمت: ۲۹۰۰ تومان

بگیرید! بمرید! وز این مرگ مترید!

کز این خاک برآید، سماوات بگیرید!

یکی تیش بگیرد بی غره زندان

چو زندان بگشاید، همه شاه و امیر

مقدمه

چرا می‌میریم؟ این سؤالی نیست که جسم ما بپرسد، سؤالی است که شخصیت انسانی ما آن را مطرح می‌سازد. تفکر مدرن غرب با «کشته کردن خدا» و «زنده کردن انسان» به ظاهر زمینه پیشرفت‌های مادی را فراهم ساخت. در این میان، نیهیلیست‌ها می‌گفتند: «خدا مرده» و پوزیتیویست‌ها معتقد بودند: «فقط باید در خصوص امور عینی سخن گفت.» اومانیست‌ها هم که البته اصولاً نمی‌خواستند «انسان بمیرد.»

اما این یک خوش‌خیالی ناپایدار بود. خدا همچنان خدایی می‌گردد.

و انسان همچنان می‌مُرد! علم و بینش علمی لجام‌گسیخته، شمشیرش را کم‌کم غلاف کرد. در واقع، حدّ خود را شناخت.

اکنون پسامدرنیسم با تواضع بیشتری به سنت‌ها و بینش انسان بدون پیرایه‌های مدرنیسم می‌نگرد. پس معلوم‌شان گشته است که نه خدا کشتنی است و نه انسان ماندنی. نهایت کار این بود که، عقاید مذهبی را به حال خود رها ساختند و مسئله‌ی «چرا می‌میریم؟» را و «به کجا می‌رویم؟» را با «حالا که زنده‌ایم چه باید بکنیم؟» عوض کردند و در حقیقت صورت مسئله را پاک نمودند! اکنون برخی از انواع بشر ظاهراً مدرن برای دورتر کردن مرگ از خود، از طریق علوم پیشرفته بسیار تلاش می‌کنند، ولی حرفی در مورد مرگ نمی‌زنند و در زندگی‌شان زیاد به آن نمی‌نگرند، با این حال، می‌کوشند آن را در یک «واقعیت خیالی» بپذیرند و بیشتر از این بدان اهمیت ندهند.

در این کتاب اما ما خواسته‌ایم واقعیت خیالی را معکوس نماییم و به شکل «خیال واقعیت» به آن پردازیم و مرگ را به صورت «سه بعدی» بررسی کنیم. از ابعاد مختلف می‌خواهیم بر این پدیده‌ی منحصر بفرد زندگی مان نوری بیندازیم. ولی باید بدانیم که مرگ خود نوری است که

بر سیاهچاله‌ی حیات محقّر ما می‌تابد و آن را چنان‌که هست برمی‌نماید. تفکّر در مورد مرگ نیست که ما را از زندگی باز می‌دارد، بلکه ترس بیهوده از آن است که زمینگیرمان می‌کند.



این کتاب شامل بخشی از دیدگاه‌های اینجانب است پیرامون مرگ، که طیّ سالیان دراز در ذهنم شکل گرفته‌اند. اما این ایده‌ها همچنان ادامه خواهند داشت، تا زمانی که من خود ایده‌ی مرگ شوم و مرگ مرا موضوع تفکّر خود قرار دهد. روش ما در این کتاب، همچون کتاب‌های دیگر، بررسی موضوع به صورت سنبعدی است. یعنی بحث مرگ از زوایای مختلف به آن پرداخته شده است، آن هم به شکل کوتاه‌نویسی. امید است این اثر مورد توجه و استفاده‌ی علاقه‌مندان واقع گردد.

